

کسب عزت ذریچه زندگی با قناعت*



حسین سلطان محمدی

و افتخار حسینی سعی خواهیم کرد بعضی از خواستگاههای قناعت و ثمرات آن را به صورت اختصار مورد بحث و بررسی قرار دهیم. باشد که با شناخت عوامل بستر ساز و ثمرات قناعت، این ویژگی مهم اخلاقی را در خود ایجاد کرده و به آن عمل کنیم و موجبات عزت خویش و جامعه اسلامیمان را فراهم آوریم.

معنای قناعت

قناعت در لغت به معنای بسنده

یکی از عوامل اساسی عزت و افتخار انسان در اجتماع، قناعت است. چون قناعت موجب می شود انسان از حرص و طمع نسبت به دنیا پرهیز کند و حرص و طمع از عوامل ذلت و خواری انسان هستند. حرص، طمع، عشق و علاقه به دنیا و دنیا زدگی موجب می شود که آدمی برای به دست آوردن دنیا دست به هر کاری بزند و خود را در مقابل هر کسی کوچک و ذلیل کند، و در مقابل، قناعت موجب دوری از این امور و رسیدن به عزت و سربلندی است.

در این مقاله به مناسبت سال عزت

* - اقتباس از مجید رضایی، دانشنامه امام علی علیه السلام، مؤسسه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.

خواستگاههای قناعت

۱- عقل و دانایی:

عقل عامل مهمی در گزینش قناعت است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ عَقَلَ قَنَعَ؛^۴ آنکه خردورزی کند، قناعت پیشه می کند.» عقل قناعت را به علت آثار ارزشمند آن، از جمله: بی نیازی انسان از غیر خود و قدرت یافتن آدمی برای تحمل کمبودها و صبر بر آنها، بر می گزیند و آن را به سود شخص می داند. گرچه انسان در ظاهر با قناعت، از امکانات ظاهری استفاده کمتری می کند، ولی به جهت عاقبت قناعت، این عمل مورد پذیرش عقل است. هر اندازه سطح دانش شخص نسبت به جهان و نفس خود بیشتر می شود و با عمق بیشتری به مسائل انسانی توجه می کند، در پذیرش صفات پسندیده انسانی، از جمله صفت قناعت، آمادگی بیشتری

کردن به مقدار کم، از کالای مورد نیاز، و رضایت به چیزی است که نصیب شخص می شود.^۱ در احادیث گاهی کلمه قناعت به معنای مطلق رضایت به کار رفته است. امام علی علیه السلام در نامه ای به عثمان بن حنیف می فرماید:

«أيا قناعت كنتم و راضی باشم كه بگویند او امیر المؤمنین است و با آنها در سختیهای روزگار مشارکت نداشته باشم؟^۲»

در علم اخلاق قناعت در مقابل حرص استعمال می شود. صفت قناعت موجب می شود که شخص به مقدار نیاز و ضرورت بسنده کند و زاید بر آن را نطلبد. ولی حرص صفتی است که موجب می شود انسان به گردآوری دارایی بیش از نیاز پردازد. ریشه حرص حب دنیا می باشد و انسان را به جهت اشتغال به دنیا و گردآوری دارایی، از آخرت و عمل نیک باز می دارد. در مقابل، چون قناعت باعث اکتفا به مقدار کم و رضایت به آنچه هست می شود، انسان را در تحصیل آخرت و عزت نفس خود توانا می سازد.^۳

۱- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۸۴.

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۳- ر.ک: جامع السعادات، صص ۱۰۱-۱۰۰.

۴- آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، شرح خوانساری، ج ۵، ص ۱۵۰.

بهره‌برداری گزاف از نعمتها پرهیز می‌دهد و دلخوشیهای انسان را به غیر دنیا متوجه می‌سازد.

امام علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالنَّيْسِ»^۳ هر کس فراوان به یاد مرگ باشد، به مقدار کم از دنیا راضی می‌شود.

۴- الگوگیری از رهبران شایسته:

رفتار قناعت‌آمیز رهبران و حاکمان صالح، در ایجاد و گسترش روحیه قناعت در جامعه نقش اساسی دارد. زیرا جامعه به رهبر خود می‌نگرد. جمله معروف «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ» مردم بر روش و آئین حاکمان خود هستند. بیانگر همین روحیه تقلید مردم از ویژگیهای اخلاقی و رفتاری حاکمان آنان می‌باشد. چه نیکوست شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام به امام خویش اقتدا کنند و در عین تلاش و مجاهدت در راه خدا و خدمت به مسلمانان، خود به اندکی از دنیا اکتفا کنند. آن حضرت می‌فرماید: «الْأَوْثَانَ

پیدا می‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ أَنْ يَلْتَزِمَ الْقَنَاعَةَ وَالْعِفَّةَ»^۱ آنکه خود را شناخت، سزاوار است با قناعت و عفت همراه باشد.»

درک عظمت نفس و تعلق آن به عالم ملکوت، بی‌نیازی و بی‌رغبتی به امور دنیا را در پی دارد.

۲- عفت نفس:

عفت و پاکدامنی موجب می‌شود که عقل بر خواسته‌های نفس نظارت کرده و آن را در استفاده از خواسته‌های خویش متعادل سازد.

انسان عقیف گرچه بر انجام بسیاری از امور توانا است ولی خودداری می‌کند و افسار نفس را محکم نگه می‌دارد. یکی از ثمرات عفت در وجود انسان قناعت است. چه اینکه انسان عقیف زیاده‌خواه نیست و افراط نمی‌کند. امام علی علیه السلام فرمودند: «ثَمَرَةُ الْعِفَّةِ الْقَنَاعَةُ»^۲ ثمره عفت قناعت است.»

۳- فراوانی یاد مرگ و آخرت:

یاد مرگ حبّ دنیا را می‌زداید، آدمی را به کفاف و عفاف می‌خواند و از

۱- همان، ج ۶، ص ۴۴۱.

۲- همان، ج ۳، ص ۳۳۱.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹.

داده است و آنکه زبان خود را بر خود حاکم کند خود را بی ارزش کرده است.»

ولی شخص با برخورداری از قناعت و رضایت به آنچه دارد، از دیگران بی نیاز می شود و دست برای درخواست به سوی دیگری نمی گشاید. از این رو عزیز گشته، دچار ذلت نفس نخواهد شد.

۲- برخورداری از حیات طیبه:

حضرت علی علیه السلام در ذیل آیه شریفه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ «هر مرد و زن مؤمنی که عمل صالح به جای آورد، او را به زندگی پاک و پاکیزه زنده می کنیم.» حیات طیبه را به قناعت تفسیر کرده^۵ و فرموده اند: «الْقَنَاعَةُ أَهْنًا عَيْشٍ»؛^۶ قناعت گواراترین نوع زندگی است.»

لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيئُ بِنُورِ عِلْمِهِ؛ أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَىٰ مِنْ دُنْيَاةٍ بِطَمَرِيَةٍ وَمِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيَةٍ. أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَيَّ ذَلِكُمْ وَلَكِنْ أَعْبُدُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَحَقَّةٍ وَسَدَادٍ؛^۱ برای هر پیروی امامی است که به او اقتدا می کند و با نور علم او روشن می شود. پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و از خوردنیش به دو قرص نان بسنده کرده است. شما بر آن توانا نیستید؛ ولی مرا به پارسایی و کوشش و پاکدامنی و درستی یاری کنید.»

آثار قناعت

۱- عزت نفس:

طمع ذلت نفس را در پی دارد و آدمی را برده می کند، چنانکه امام علی علیه السلام فرمودند: «الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤْتَدٌ»^۲ طمع ورزی، بردگی همیشگی است.» همچنین آن حضرت فرمودند:

«أَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعَ وَرَضِيَ بِالذَّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ صُرَّةِ وَهَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مِنْ أَمْرِ عَلَيْنَهَا لِسَانُهُ»؛^۳ آنکه جان خود را با طمع ورزی بپوشاند خود را پست کرده است و آنکه راز سختیهای خود را آشکار سازد به خواری [خود] رضایت

۱- همان، نامه ۴۵.

۲- همان، حکمت ۱۸۰.

۳- همان، حکمت ۲.

۴- نحل/ ۹۷.

۵- نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹.

۶- آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، شرح

خوانساری، ج ۱، ص ۲۳۲.

بر این اساس، قناعت باعث بهبود وضع فقیران و نیازمندان می‌شود و ضمن پرهیز از مصرف بیش از حد لازم، به گسترش رفاه عمومی می‌انجامد. انفاق فقط با تمکن مالی تحقق نمی‌یابد، بلکه مهم، قطع علاقه از مال است و این قطع علاقه، با ایجاد روحیه قناعت بدست می‌آید.

۴- سلامت دین:

در پرتو طمع و حرص بر دنیا، نیازهای کاذب و زودگذر بر زندگی انسان چیره می‌شود و او را به خروج از مسیر اعتدال و دین‌مداری ترغیب می‌کند، قانون را زیر پا می‌گذارد و حق خدا و خلق خدا را مراعات نمی‌کند. اما انسان قانع دین خود را به متاع اندک دنیا نمی‌فروشد و خود را برای کسب مال و مقام و شهرت در مسیر حرام قرار نمی‌دهد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:
 «اَقْتَنُوا بِالْقَلِيلِ مِنْ دُنْيَاكُمْ لِسَلَامَةِ دِينِكُمْ، فَإِنَّ
 الْمُؤْمِنَ الْبَلِغَةَ الْيَسِيرَةَ مِنَ الدُّنْيَا تَقْبَعُهُ^۱؛ برای

انسان قانع، شکرگزار آفریدگار متعال است و به روزی او بسنده می‌کند. از این رو هم عزت خود را در دنیا نگه می‌دارد و هم برای برخوردار از دنیا، دین خود را در معرض خطر کسب حرام قرار نمی‌دهد. و در نتیجه خدا نیز از عمل کم او راضی می‌شود و این سعادت آخرتی او است.^۱

۳- توانایی بر انفاق مال:

انسان قانع از آنچه به دست می‌آورد، به حد نیاز استفاده می‌کند و از مازاد آن برای کمک به دیگران بهره‌مند می‌شود. مصرف‌گرایی مفرط موجب می‌شود که انسان از میان درآمدهای خود محلی برای انفاق نداشته باشد، اما قناعت و بسنده کردن به اندک و ضروریات دنیا موجب می‌شود که دست انسان برای بخشش به دیگران باز شود.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا أَحْسَنَ بِالْإِنْسَانِ أَنْ يَفْتَعَّ بِالْقَلِيلِ وَيَجُودَ بِالْجَزِيلِ^۲؛ چقدر برای انسان نیکو است که به کم قناعت کند و زیادی را ببخشد.»

۱- همان، ج ۲، ص ۲۵۹.

۲- همان، ج ۶، ص ۹۷.

۳- همان، ج ۲، ص ۲۵۹.

یاری کننده‌ترین چیز بر صلاح نفس است.»
 آدمی بر اثر طمع و حرص، زیر بار هر
 ذلتی می‌رود و خود را می‌فروشد و حق را
 زیر پامی‌گذارد و بردگی هر متکبری را
 می‌پذیرد، ولی قناعت اراده او را تقویت
 می‌کند و با آن عزت نفس خود را باز
 می‌یابد.

۷- آرامش و گشایش زندگی:

قناعت انسان را از اینکه خود را در
 بدست آوردن آنچه قسمت او نیست به
 سختی و رنج بیاندازد نجات می‌دهد،
 تشویش و نگرانی را از او دور می‌کند و از
 دعوا و کشمکش درباره متاع بی‌ارزش دنیا
 جلوگیری می‌کند، از این رو انسان در پرتو
 قناعت آسایش می‌یابد.

امام علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ اِقْتَصَرَ
 عَلَى بُلْغَةِ الْكِفَافِ فَقَدْ اَنْتَضَمَ الرَّاحَةَ وَ تَبَوَّأَ
 حَفْصَ الدَّعَةِ وَ الرَّغْبَةَ مِفْتَاحَ النَّصَبِ وَ مَطِيئَةَ
 التَّعَبِ»؛ آنکه به روزی کفاف بسنده کند،
 آسایش می‌یابد و در گشایش زندگی قرار
 می‌گیرد. [و طمع] و میل، کلید سختیها و
 مرکب مرار تهاست.»

۱- همان، ج ۳، ص ۳۳۰.

۲- همان، ج ۲، ص ۴۳۶.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱.

سلامت دین خود، به مقدار کم از
 دنیایتان قناعت کنید. به درستی که
 بهره‌مندی از مقداری اندک از دنیا،
 مؤمن را قانع می‌کند.»

۵- زیبایی در کسب و کار:

انسان قانع در انتخاب کسب و کار از
 مسیر درست دور نمی‌شود و کار او سبب
 نادیده گرفتن حقوق عمومی نمی‌گردد.
 چون به اندک از دنیا راضی است، کار خود
 را اگر در مسیر خدا باشد زیبا می‌داند، به آن
 علاقه دارد و از این رو با کسب حلال عزت
 خود را بدست آورده و از درخواست و
 سؤال از دیگران بیزار است. حضرت
 علی علیه السلام می‌فرماید: «كَمْ تَرَوُ الْقَنَاعَةَ الْاِجْمَالَ
 فِي الْمَكْتَسَبِ وَالْعَزُوفَ عَنِ الطَّلَبِ؛ ثمره
 قناعت، زیبایی در کسب و کار و بیزاری از
 درخواست است.»

۶- صلاح نفس:

انسانهای مؤمن همواره صلاح و
 درستی نفس خویش را می‌خواهند و به
 فرموده امام علی علیه السلام بهترین چیزی که
 انسان را برای صلاح و درستی نفس کمک
 می‌کند، قناعت است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اَعْوَنُ

شئِي وَ عَلَيَّ صِلَاحِ النَّفْسِ الْقَنَاعَةُ»؛ قناعت